

نزاع سلاطین با خلفا

مناسبات خارجی خوارزمشاهیان با خلفای عباسی و حکومت‌های همسو



دکتر سیاوش یاری

www.ketab.ir

سرشناسه	یاری، سیاوش، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	نزاع سلاطین با خلفا (مناسبات خارجی خوارزمشاهیان با خلفای عباسی و حکومت‌های همسو) / سیاوش یاری.
مشخصات نشر	قم: اندیشه‌سازان هدایت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	۲۸۰ ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۳۶-۶-۳
یادداشت	کتابنامه: ص. ۲۶۷ - ۲۸۰؛ همچنین به صورت زیرنویس.
موضوع	عباسیان - تاریخ
موضوع	اسلام - تاریخ
موضوع	ایران - تاریخ - خوارزمشاهیان، ۴۷۰ - ۶۲۸ ق
رده‌بندی کنگره	DSR۸۷۵/۴ ن ۱۳۹۰
رده‌بندی دیوبی	۹۵۵/۰۵۵
شماره کتابشناسی ملی	۲۴۴۴۷۱۳

نزاع سلاطین با خلفا

نویسنده: دکتر سیاوش یاری

ناشر: اندیشه‌سازان هدایت

طراحی جلد: ر. محمدی

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۰

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ: صدر

قیمت: ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۳۳۶-۶-۳

حق چاپ محفوظ و مخصوص مؤلف می‌باشد.

فهرست مطالب

۹	مقدمه
۱۳	فصل اول / نگاهی به منابع
۱۵	نگاهی به منابع
۳۳	فصل دوم / جغرافیای تاریخی خوارزم
۳۵	جغرافیای تاریخی خوارزم
۵۳	فصل سوم / خوارزمشاهیان از آغاز تا اتسز
۵۵	تاریخ خوارزم از آغاز تا تأسیس حکومت سلجوقی
۶۵	خوارزمشاهیان از انوشنگین غرچه تا اتسز
۶۹	فصل چهارم / از اتسز تا تکش
۷۱	اوضاع کلی جهان اسلام در آستانه حکومت سنجر
۷۳	اتسز و سنجر
۱۰۵	ایل ارسلان و سیاست‌های وی در خراسان و ماوراءالنهر
۱۲۰	کارنامه ایل ارسلان
۱۲۲	کشمکش بر سر تاج و تخت پس از درگذشت ایل ارسلان
۱۲۷	فصل پنجم / تکش بنیانگذار واقعی خوارزمشاهیان
۱۲۹	تکش و خلفای عباسی
۱۴۹	تکش و غوریان
۱۵۶	تکش و قراختائیان

فصل ششم / سلطان محمد	۱۶۳
سلطان محمد و غوریان	۱۶۵
سلطان محمد و قراختاییان	۱۷۲
سلطان محمد و کشمکش با خلیفه عباسی	۱۷۹
پایان کار سلطان محمد	۱۹۷
دلایل شکست خوارزمشاهیان	۲۰۶
فصل هفتم / سلطان جلال الدین خوارزمشاه	۲۱۷
سلطان جلال الدین و خلیفه عباسی	۲۱۹
سلطان جلال الدین و اسماعیلیان	۲۲۸
فصل هشتم / ساختار سیاسی خوارزمشاهیان	۲۳۷
ساختار درونی حکومت خوارزمشاهی	۲۳۹
فرجام سخن	۲۶۰
منابع و مأخذ	۲۶۷
منابع فارسی	۲۶۷
الف - تاریخی	۲۶۷
ب - جغرافیایی	۲۷۱
منابع عربی	۲۷۳
متون ادبی و سفرنامه‌ها	۲۷۵
تحقیقات جدید	۲۷۶

مقدمه

دوران حکومت خوارزمشاهیان وارث آشفته‌گی‌ها و نابه‌سامانی‌های ناشی از رقابت‌ها و کشمکش‌های سیاسی - نظامی و مذهبی شرق جهان اسلام بود. دشمنی حکومت‌های اسلامی با یکدیگر و اختلاف و چند دستگی آنها، پوسیدگی نهادهای کشوری و لشکری، رواج تقدیرگرایی و اختلافات مذهبی در تضعیف جهان اسلام از نظر سیاسی - نظامی، فرهنگی و اجتماعی مؤثر بودند. خوارزمشاهیان که آخرین سلسله ترک نژاد حاکم بر ایران قبل از حمله مغول بودند با وجود گذشت سالیان دراز از ورود به عالم اسلام و ایران، هنوز ساختار قبایلی و خوی و خصلت‌های صحراگردی را حفظ نموده و نتوانسته بودند با مردم متمدن شهری هماهنگ شوند؛ بنابراین فاقد تدبیر و درایت کافی برای اداره سرزمین‌های تحت حکومت خویش بودند.

در این دوره، حدود ده حکومت کوچک و بزرگ، تنها در شرق عالم اسلام سرگرم تلاش برای افزایش متصرفات خویش بودند. در چنین اوضاعی سیاست‌ها و مناسبات خارجی اهمیت اساسی، حتی حیاتی

داشت. به خصوص بدان جهت که الناصر لدین الله تمام هم خود را صرف احیای قدرت سیاسی نهاد خلافت نموده بود. چون هر کدام از سران حکومت‌ها در پی بهره‌گیری از فرصت‌های صحیح می‌باشد، کوچکترین اشتباه در سیاست‌های خارجی نتایج نامطلوبی به دنبال داشت.

به طور کلی حکومت‌های شرق عالم اسلام، در آن دوره به چند گروه تقسیم می‌شوند. گروه اول متشکل از دستگاه خلافت عباسی و حکومت‌های همسو با آن بود. خلفا در تلاش بودند با ایجاد اختلاف بین حکومت‌های اسلامی، منصرفات خویش را افزایش داده، نفوذ بیشتری در جهان اسلام داشته باشند. سلاطین خوارزمشاهی مهم‌ترین نماینده گروه دوم بودند که رقابت سخت و فرساینده‌ای با خلفای عباسی داشتند. گروه سوم اسماعیلیان بودند که با پیروی محض از امامان خویش، رویای حکومتی را در سر می‌پروراندند که عدالت را برقرار کرده، به تسلط خلفا پایان دهد، و در راه رسیدن به چنین حکومت آرمانی، از شیوه‌هایی همچون ارباب و ترور بهره می‌بردند.

خلفای عباسی به سبب نفوذ مذهبی در میان عامه مردم، از موقعیت بهتری برخوردار بودند و حکام مسلمان با ارسال هدایا و پیشکش‌ها و قسمتی از غنائم، سعی در ارضای خاطر و کسب حمایت معنوی آنان داشتند. البته گاه بین نهاد خلافت و سلطنت اختلاف پیش می‌آمد؛ ولی هیچ‌گاه سلاطین در پی براندازی خلافت عباسی نبودند. حال باید دانست چه عاملی باعث به هم خوردن این جریان و تغییر سیاست فوق در عصر

خوارزمشاهیان شد؟ چرا خلیفه عباسی تمام توجه خود را به شرق جهان اسلام، به خصوص عراق عجم معطوف ساخت؟ چرا خلیفه الناصر و سلطان محمد هر دو سعی در همکاری با شیعیان داشتند و کسب رضایت آنان را یکی از اهداف خویش می دانستند؟ چرا با وجود چنین گرایشی، جلال الدین حسن معروف به نومسلمان تغییر مذهب داده، برخلاف خلیفه و سلطان به تسنن گرایید؟ و سرانجام اینکه چرا در نهایت خوارزمشاهیان بیشترین صدمات را از این اختلافات و درگیری ها متحمل شدند؟ چرا آنان در برابر مغولان به راحتی از پای درآمدند؛ به عبارت دیگر عامل اضمحلال خوارزمشاهیان و برتری مغولان چه بود؟

یافتن پاسخ چنین سؤالاتی، انگیزه نگارش و تدوین کتاب حاضر است. در این پژوهش سعی شده با بهره گیری از منابع معتبر، مناسبات خارجی خوارزمشاهیان با خلفای عباسی و حکومت های همسو با آنان مورد کندوکاو و بررسی قرار گیرد.

